

آموزگاران برای برابری جنسیتی

مهدی بهلولی

«بیش از نیمی از زنان ۳۵ کشور جهان، از آن میان الجزایر، مصر و عربستان، بی‌سوادند»، «زدیک به یک‌سوم زنان هند، توانایی خواندن و نوشتن ندارند»، «در کشورهای بسیاری، زنان به دنبال تغییر قانون‌هایی هستند که آنها را از حقوق برابر با مردان باز می‌دارند»، «در پرو، ۴۶درصد زنان روستایی، بی‌سوادند.» اینها نمونه‌هایی هستند از آنچه درباره زنان و وضعیت آموزشی، فرهنگی و حقوقی آنها، در میان گزارش‌ها و پژوهش‌های جهانی، منتشر می‌شوند؛ خبرهایی که هم، نشان از تبعیض‌های جنسیتی و شرایط ناگوار زنان در برخی کشورهای جهان می‌دهند و هم اهمیت روزافزون مساله زن و مساله جنسیت نزد جهانیان را آشکار می‌کند. روشن است که چنین پدیده‌ها و واپس‌ماندگی‌هایی، ریشه‌های گوناگون و تاریخی درازی دارند و به یکی، دو فرهنگ و جامعه هم برنمی‌گردند، بنابراین مبارزه با آنها نیز، در گستره‌ای جهانی انجام می‌پذیرد. گرچه در روزگار ما که مساله حقوق‌پشر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است، به پدیده تبعیض و برابری جنسیتی و مساله حقوق زنان، بیشتر و زُرف‌تر پرداخته می‌شود، تا آنجا که برخی گفته‌اند: «حقوق زنان، حقوق‌پشر است.»

از سال ۱۹۹۴ میلادی به این سو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی یونسکو، پنجم اکتبر هر سال را روز جهانی آموزگار، نامیده است. یونسکو برای هر سال نیز شعاری برمی‌گزیند که شعار امسال، «Teachers for gender equality» «آموزگاران برای برابری جنسیتی» برگزیده شده است؛ شعاری که نقش آموزگاران در برخورد با نابرابری‌های جنسیتی را برجسته می‌کند. در تارنمای «EI آموزش جهانی» در تفسیر و روشننگری این شعار آمده است: «درنماینه ایپام روز جهانی آموزگار امسال – آموزگاران برای برابری جنسیتی – برابری میان آموزگاران زن و مرد را دربرمی‌گیرد. برای دختران، دستیابی به آموزش و پرورش باکیفیت و حساس به مساله جنسیت را درخواست می‌کرده و سهم آموزگاران و آموزش‌وپرورش، در چیرگی بر کلیشه‌های جنسیتی را برجسته می‌کند. با وجود اینکه در این ۲۵ سال واپسین، در دستیابی به برابری جنسیتی، پیشرفتی واقعی روی داده، اما برای پیش رفتن، هنوز هم، راهی دراز در پیش است. برای نمونه، در آموزش ابتدایی و در مساله برابری جنسیتی، همچنان شکاف‌های چشمگیری وجود دارد؛ در حالی که نسبت نام‌نویسی دختران به پسران ابتدایی، در کشورهای جنوب صحرای افریقا، بسیار پایین است، کم‌کوشی آموزشی پسران در مدرسه و در برخی کشورها مانند جامائیکا و آمریکا، بیش از پیش، پدیده‌ای نگران‌کننده است. فردن لیون، دبیر کل EI می‌گوید: بایاید در روز جهانی آموزگار، به یاد آوریم که آموزگاران، در نشانه گرفتن پیاده‌های جنسیتی سراسر جهان، نیرویی پرتوان هستند و اینکه برابری جنسیتی، تنها یک مساله برای زنان نیست. مساله همه است.»

آموزش و پرورش فرآیندی پیچیده با سبویه ۳ و کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیار است. آموزش، کنشی است که هم با فرهنگ و گذشته یک ملت سروکار دارد و هم با زندگی کنونی و روزمره آنها. از این رو، شایسته‌ورسی، اندیشه و گفت‌وگوهاست. افزون بر اندیشه‌وران و روشنفکران اجتماعی که در میان سبوزه و دبستگی‌های اندیشیدنی خود، نباید گستره آموزش را نادیده بگیرند، آموزگاران و جامعه‌مدنی آنها هم، باید از شناخت و آگاهی‌های نوین آموزشی، دور نباشند و پیگیری دگرگونی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری این پهنه آموزش را در دستور کار خویش بگذارند. اما بی‌گمان، این وظیفه بر دوش وزارت آموزش و پرورش نیز است که با ابزار و رسانه‌های بسیاری که در دست دارد باید در راستای آگاهی‌بخشی و پویایی اندیشگی کارکنان خود بکوشد. برای نمونه یکی از روش‌های ارزنده، می‌تواند کلاس‌های آموزش ضمن خدمت باشد، اما البته نه با کیفیتی که اکنون برگزار می‌شود یا با برگزاری همایش‌های جان‌دار و مایه‌ور آموزشی – پژوهشی بلکه با بررسی آموزش و پرورش نوین و جستارهای همسبزه، به آسیب‌شناسی جریان آموزش در ایران بپردازد. هرچند نمی‌خواهم بگویم که چنین کارهایی سراسر روی نداده، اما متأسفانه آنچه‌ان که باید و شاید، بر پویایی اندیشه آموزشی، کارشناس و اثربخش نبوده است، اگر هم کاری انجام شده، گویا سبویه ظاهری آن، بر درنماینه راستین و جدی آن چربیده است. نمونه گویا و روشن چنین کارهایی در آموزش و پرورش هفت‌نامه‌ای است به نام «نگاه» که تا آنجا که من می‌دانم پخشى گسترده دارد و هر هفته به همه مدرسه‌های کشور فرستاده می‌شود. اما رویکرد این نشریه را دربر گرفته‌اند. روشن است باشد و پژوهش‌گرانه و انتقادی، نمایشی و تبلیغاتی است. برای مثال، در شماره نخست مهرماه امسال آن، در هشت صفحه خود، درست ۲۰ بار، در اندازم‌های گوناگون، عکس وزیر آموزش و پرورش چاپ شده است! که این عکس‌های همانند، نزدیک به نیمی از صفحه‌های این نشریه را دربر گرفته‌اند. روشن است که چنین رسانه‌ای نمی‌تواند از سوی فرهنگیان جدی انگاشته شود. باری، سخن این است که در راستای ژرف‌فایشی به آموزش و کنکاش جستارهای نوین آن، همگی و از آن میان آموزش و پرورش، نباید یکسَر خاموش و تماشاگر باشند.

کودکان بازمانده از تحصیل، واقعیت خاموش ایران

تعداد دختران بازمانده از تحصیل بیش از پسران است

«بیش از نیمی از زنان ۳۵ کشور جهان، از آن میان الجزایر، مصر و عربستان، بی‌سوادند»، «زدیک به یک‌سوم زنان هند، توانایی خواندن و نوشتن ندارند»، «در کشورهای بسیاری، زنان به دنبال تغییر قانون‌هایی هستند که آنها را از حقوق برابر با مردان باز می‌دارند»، «در پرو، ۴۶درصد زنان روستایی، بی‌سوادند.» اینها نمونه‌هایی هستند از آنچه درباره زنان و وضعیت آموزشی، فرهنگی و حقوقی آنها، در میان گزارش‌ها و پژوهش‌های جهانی، منتشر می‌شوند؛ خبرهایی که هم، نشان از تبعیض‌های جنسیتی و شرایط ناگوار زنان در برخی کشورهای جهان می‌دهند و هم اهمیت روزافزون مساله زن و مساله جنسیت نزد جهانیان را آشکار می‌کند. روشن است که چنین پدیده‌ها و واپس‌ماندگی‌هایی، ریشه‌های گوناگون و تاریخی درازی دارند و به یکی، دو فرهنگ و جامعه هم برنمی‌گردند، بنابراین مبارزه با آنها نیز، در گستره‌ای جهانی انجام می‌پذیرد. گرچه در روزگار ما که مساله حقوق‌پشر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است، به پدیده تبعیض و برابری جنسیتی و مساله حقوق زنان، بیشتر و زُرف‌تر پرداخته می‌شود، تا آنجا که برخی گفته‌اند: «حقوق زنان، حقوق‌پشر است.»

از سال ۱۹۹۴ میلادی به این سو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی یونسکو، پنجم اکتبر هر سال را روز جهانی آموزگار، نامیده است. یونسکو برای هر سال نیز شعاری برمی‌گزیند که شعار امسال، «Teachers for gender equality» «آموزگاران برای برابری جنسیتی» برگزیده شده است؛ شعاری که نقش آموزگاران در برخورد با نابرابری‌های جنسیتی را برجسته می‌کند. در تارنمای «EI آموزش جهانی» در تفسیر و روشننگری این شعار آمده است: «درنماینه ایپام روز جهانی آموزگار امسال – آموزگاران برای برابری جنسیتی – برابری میان آموزگاران زن و مرد را دربرمی‌گیرد. برای دختران، دستیابی به آموزش و پرورش باکیفیت و حساس به مساله جنسیت را درخواست می‌کرده و سهم آموزگاران و آموزش‌وپرورش، در چیرگی بر کلیشه‌های جنسیتی را برجسته می‌کند. با وجود اینکه در این ۲۵ سال واپسین، در دستیابی به برابری جنسیتی، پیشرفتی واقعی روی داده، اما برای پیش رفتن، هنوز هم، راهی دراز در پیش است. برای نمونه، در آموزش ابتدایی و در مساله برابری جنسیتی، همچنان شکاف‌های چشمگیری وجود دارد؛ در حالی که نسبت نام‌نویسی دختران به پسران ابتدایی، در کشورهای جنوب صحرای افریقا، بسیار پایین است، کم‌کوشی آموزشی پسران در مدرسه و در برخی کشورها مانند جامائیکا و آمریکا، بیش از پیش، پدیده‌ای نگران‌کننده است. فردن لیون، دبیر کل EI می‌گوید: بایاید در روز جهانی آموزگار، به یاد آوریم که آموزگاران، در نشانه گرفتن پیاده‌های جنسیتی سراسر جهان، نیرویی پرتوان هستند و اینکه برابری جنسیتی، تنها یک مساله برای زنان نیست. مساله همه است.»

آموزش و پرورش فرآیندی پیچیده با سبویه ۳ و کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیار است. آموزش، کنشی است که هم با فرهنگ و گذشته یک ملت سروکار دارد و هم با زندگی کنونی و روزمره آنها. از این رو، شایسته‌ورسی، اندیشه و گفت‌وگوهاست. افزون بر اندیشه‌وران و روشنفکران اجتماعی که در میان سبوزه و دبستگی‌های اندیشیدنی خود، نباید گستره آموزش را نادیده بگیرند، آموزگاران و جامعه‌مدنی آنها هم، باید از شناخت و آگاهی‌های نوین آموزشی، دور نباشند و پیگیری دگرگونی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری این پهنه آموزش را در دستور کار خویش بگذارند. اما بی‌گمان، این وظیفه بر دوش وزارت آموزش و پرورش نیز است که با ابزار و رسانه‌های بسیاری که در دست دارد باید در راستای آگاهی‌بخشی و پویایی اندیشگی کارکنان خود بکوشد. برای نمونه یکی از روش‌های ارزنده، می‌تواند کلاس‌های آموزش ضمن خدمت باشد، اما البته نه با کیفیتی که اکنون برگزار می‌شود یا با برگزاری همایش‌های جان‌دار و مایه‌ور آموزشی – پژوهشی بلکه با بررسی آموزش و پرورش نوین و جستارهای همسبزه، به آسیب‌شناسی جریان آموزش در ایران بپردازد. هرچند نمی‌خواهم بگویم که چنین کارهایی سراسر روی نداده، اما متأسفانه آنچه‌ان که باید و شاید، بر پویایی اندیشه آموزشی، کارشناس و اثربخش نبوده است، اگر هم کاری انجام شده، گویا سبویه ظاهری آن، بر درنماینه راستین و جدی آن چربیده است. نمونه گویا و روشن چنین کارهایی در آموزش و پرورش هفت‌نامه‌ای است به نام «نگاه» که تا آنجا که من می‌دانم پخشى گسترده دارد و هر هفته به همه مدرسه‌های کشور فرستاده می‌شود. اما رویکرد این نشریه را دربر گرفته‌اند. روشن است باشد و پژوهش‌گرانه و انتقادی، نمایشی و تبلیغاتی است. برای مثال، در شماره نخست مهرماه امسال آن، در هشت صفحه خود، درست ۲۰ بار، در اندازم‌های گوناگون، عکس وزیر آموزش و پرورش چاپ شده است! که این عکس‌های همانند، نزدیک به نیمی از صفحه‌های این نشریه را دربر گرفته‌اند. روشن است که چنین رسانه‌ای نمی‌تواند از سوی فرهنگیان جدی انگاشته شود. باری، سخن این است که در راستای ژرف‌فایشی به آموزش و کنکاش جستارهای نوین آن، همگی و از آن میان آموزش و پرورش، نباید یکسَر خاموش و تماشاگر باشند.

کودکان بازمانده از تحصیل، واقعیت خاموش ایران

تعداد دختران بازمانده از تحصیل بیش از پسران است

«بیش از نیمی از زنان ۳۵ کشور جهان، از آن میان الجزایر، مصر و عربستان، بی‌سوادند»، «زدیک به یک‌سوم زنان هند، توانایی خواندن و نوشتن ندارند»، «در کشورهای بسیاری، زنان به دنبال تغییر قانون‌هایی هستند که آنها را از حقوق برابر با مردان باز می‌دارند»، «در پرو، ۴۶درصد زنان روستایی، بی‌سوادند.» اینها نمونه‌هایی هستند از آنچه درباره زنان و وضعیت آموزشی، فرهنگی و حقوقی آنها، در میان گزارش‌ها و پژوهش‌های جهانی، منتشر می‌شوند؛ خبرهایی که هم، نشان از تبعیض‌های جنسیتی و شرایط ناگوار زنان در برخی کشورهای جهان می‌دهند و هم اهمیت روزافزون مساله زن و مساله جنسیت نزد جهانیان را آشکار می‌کند. روشن است که چنین پدیده‌ها و واپس‌ماندگی‌هایی، ریشه‌های گوناگون و تاریخی درازی دارند و به یکی، دو فرهنگ و جامعه هم برنمی‌گردند، بنابراین مبارزه با آنها نیز، در گستره‌ای جهانی انجام می‌پذیرد. گرچه در روزگار ما که مساله حقوق‌پشر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است، به پدیده تبعیض و برابری جنسیتی و مساله حقوق زنان، بیشتر و زُرف‌تر پرداخته می‌شود، تا آنجا که برخی گفته‌اند: «حقوق زنان، حقوق‌پشر است.»

از سال ۱۹۹۴ میلادی به این سو، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی یونسکو، پنجم اکتبر هر سال را روز جهانی آموزگار، نامیده است. یونسکو برای هر سال نیز شعاری برمی‌گزیند که شعار امسال، «Teachers for gender equality» «آموزگاران برای برابری جنسیتی» برگزیده شده است؛ شعاری که نقش آموزگاران در برخورد با نابرابری‌های جنسیتی را برجسته می‌کند. در تارنمای «EI آموزش جهانی» در تفسیر و روشننگری این شعار آمده است: «درنماینه ایپام روز جهانی آموزگار امسال – آموزگاران برای برابری جنسیتی – برابری میان آموزگاران زن و مرد را دربرمی‌گیرد. برای دختران، دستیابی به آموزش و پرورش باکیفیت و حساس به مساله جنسیت را درخواست می‌کرده و سهم آموزگاران و آموزش‌وپرورش، در چیرگی بر کلیشه‌های جنسیتی را برجسته می‌کند. با وجود اینکه در این ۲۵ سال واپسین، در دستیابی به برابری جنسیتی، پیشرفتی واقعی روی داده، اما برای پیش رفتن، هنوز هم، راهی دراز در پیش است. برای نمونه، در آموزش ابتدایی و در مساله برابری جنسیتی، همچنان شکاف‌های چشمگیری وجود دارد؛ در حالی که نسبت نام‌نویسی دختران به پسران ابتدایی، در کشورهای جنوب صحرای افریقا، بسیار پایین است، کم‌کوشی آموزشی پسران در مدرسه و در برخی کشورها مانند جامائیکا و آمریکا، بیش از پیش، پدیده‌ای نگران‌کننده است. فردن لیون، دبیر کل EI می‌گوید: بایاید در روز جهانی آموزگار، به یاد آوریم که آموزگاران، در نشانه گرفتن پیاده‌های جنسیتی سراسر جهان، نیرویی پرتوان هستند و اینکه برابری جنسیتی، تنها یک مساله برای زنان نیست. مساله همه است.»

آموزش و پرورش فرآیندی پیچیده با سبویه ۳ و کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیار است. آموزش، کنشی است که هم با فرهنگ و گذشته یک ملت سروکار دارد و هم با زندگی کنونی و روزمره آنها. از این رو، شایسته‌ورسی، اندیشه و گفت‌وگوهاست. افزون بر اندیشه‌وران و روشنفکران اجتماعی که در میان سبوزه و دبستگی‌های اندیشیدنی خود، نباید گستره آموزش را نادیده بگیرند، آموزگاران و جامعه‌مدنی آنها هم، باید از شناخت و آگاهی‌های نوین آموزشی، دور نباشند و پیگیری دگرگونی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری این پهنه آموزش را در دستور کار خویش بگذارند. اما بی‌گمان، این وظیفه بر دوش وزارت آموزش و پرورش نیز است که با ابزار و رسانه‌های بسیاری که در دست دارد باید در راستای آگاهی‌بخشی و پویایی اندیشگی کارکنان خود بکوشد. برای نمونه یکی از روش‌های ارزنده، می‌تواند کلاس‌های آموزش ضمن خدمت باشد، اما البته نه با کیفیتی که اکنون برگزار می‌شود یا با برگزاری همایش‌های جان‌دار و مایه‌ور آموزشی – پژوهشی بلکه با بررسی آموزش و پرورش نوین و جستارهای همسبزه، به آسیب‌شناسی جریان آموزش در ایران بپردازد. هرچند نمی‌خواهم بگویم که چنین کارهایی سراسر روی نداده، اما متأسفانه آنچه‌ان که باید و شاید، بر پویایی اندیشه آموزشی، کارشناس و اثربخش نبوده است، اگر هم کاری انجام شده، گویا سبویه ظاهری آن، بر درنماینه راستین و جدی آن چربیده است. نمونه گویا و روشن چنین کارهایی در آموزش و پرورش هفت‌نامه‌ای است به نام «نگاه» که تا آنجا که من می‌دانم پخشى گسترده دارد و هر هفته به همه مدرسه‌های کشور فرستاده می‌شود. اما رویکرد این نشریه را دربر گرفته‌اند. روشن است باشد و پژوهش‌گرانه و انتقادی، نمایشی و تبلیغاتی است. برای مثال، در شماره نخست مهرماه امسال آن، در هشت صفحه خود، درست ۲۰ بار، در اندازم‌های گوناگون، عکس وزیر آموزش و پرورش چاپ شده است! که این عکس‌های همانند، نزدیک به نیمی از صفحه‌های این نشریه را دربر گرفته‌اند. روشن است که چنین رسانه‌ای نمی‌تواند از سوی فرهنگیان جدی انگاشته شود. باری، سخن این است که در راستای ژرف‌فایشی به آموزش و کنکاش جستارهای نوین آن، همگی و از آن میان آموزش و پرورش، نباید یکسَر خاموش و تماشاگر باشند.

کودکان بازمانده از تحصیل، واقعیت خاموش ایران

تعداد دختران بازمانده از تحصیل بیش از پسران است



عکس: آیدین رهبر شرق

۴۳هزار نفر از جمعیت کشور را بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ کودکان و نوجوانان هفت تا ۱۹ساله تشکیل می‌دهند که به گفته مسوولان آموزش‌وپرورش بیش از ۱۲میلیون و ۳۰۰ هزار دانش‌آموز ایرانی سال تحصیلی ۱۳۹۱ – ۱۳۹۰ را آغاز کردند که بر این اساس با احتساب تعداد کودکان و نوجوانان در سنن آموزش یا لازم‌التعلیم و تعداد دانش‌آموزان در سال تحصیلی جاری می‌توان دریافت که بیش از هفت میلیون نفر از کودکان و نوجوانان کشور از تحصیل در مدارس محروم هستند.

این آمار نگران‌کننده در حالی است که رییس انجمن علمی مددکاران ایران و عضو شورای بررسی آسیب‌های اجتماعی با اعلام اینکه سالانه ۲۵درصد از دانش‌آموزان ترک تحصیل می‌کنند، عنوان می‌کند: دانش‌آموزان در طول روز میانگین بین هفت تا هشت ساعت در مدارس هستند و بیشترین وقت مفید خود را در مدارس می‌گذرانند، در حال حاضر براساس جدیدترین یافته‌های پژوهشی بیش از ۲۵درصد از دانش‌آموزان سالانه از مدارس ترک تحصیل می‌کنند که این آمار بسیار نگران‌کننده است و معلوم نیست سرنوشت این دانش‌آموزان که چندین برابر بیش از دیگران در معرض تهدیدهای اجتماعی هستند، چه می‌شود.

او با استناد به پژوهش گسترده‌ای در این زمینه اظهار می‌کند: در حال حاضر مشکلات و خلأهای موجود در وزارت آموزش‌وپرورش، ناتوانی تعداد زیادی از معلمان و درگیری‌های اقتصادی و معیشتی آنها، به روز نبودن کتاب‌های درسی و آموزش‌ها در مدارس و مشکلات و آسیب‌هایی که در حال حاضر آموزش‌وپرورش با آن مواجه است و اقدامی برای حل این مسایل صورت نمی‌گیرد، برای نظام تعلیم و تربیت کشور گران تمام می‌شود.

اگرچه آمار ترک تحصیل بیش از ۲۵درصد دانش‌آموزان از سوی وزارت آموزش‌وپرورش تکذیب شد،، اما نسبت تعداد دانش‌آموزان در سال جاری و تعداد کودکان و نوجوانان لازم‌التعلیم بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ نشان‌دهنده این نکته است که تعداد بسیار زیادی از کودکان و نوجوانان در کشور یا از تحصیل محروم هستند یا اینکه از چرخه آموزشی کشور بنا بر دلایل متعددی جدا افتاده‌اند. همچنین وزارت آموزش‌وپرورش که متولی اصلی ایجاد بسترهای مناسب برای تعلیم و تربیت کودکان از پنج تا ۱۹سالگی است تا پیش از این آمار شغافی نیز از تعداد دانش‌آموزان در اختیار نداشت. چندی پیش رییس مرکز آمار فناوری و نیروی انسانی وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه در طول سال‌های گذشته وضعیت کار آماری در وزارت آموزش‌وپرورش بسیار نامناسب بوده است، گفت: «پس از افتتاح مرکز آمار وزارت آموزش‌وپرورش بعد از هشت سالل تازه همفیدیم که ۱۲ میلیون و ۸۰۰ هزار دانش‌آموز داریم، نه ۱۴ میلیون دانش‌آموز.»سدی‌گرم‌رودی با اشاره به هفت میلیون نفر از دانش‌آموزان این سالوار را مطرح می‌کند که جدایی آنها از محیط درس و مدرسه چه سرنوشتی را می‌تواند برایشان در جامعه ایجاد کند.

تصمیمی مانند آن است که شانه از زیر بار مسوولیت خود خالی کند، چراکه وظیفه دولت آن است که بخشی از درآمدهای خود را به این حوزه اختصاص دهد، نه آنکه با خصوصی‌سازی و هیات امنایی کردن این موضوع اجتماعی، تیشه به ریشه آموزش بزند.

بهبزبستی: آمار نداریم

حال که سه و نیم میلیون کودک خارج از تحصیل، آن هم بر اساس آمارهای سه سال گذشته در کشور وجود دارد، چه ارگان، سازمان و مسوولی در این زمینه پاسخگو است؟

غیر از آن است که همه‌ساله در آستانه بازگشایی مدارس آماری در این زمینه به خورد رسانه‌ها داده شده و بعد از یک هفته تمام معضل به فراموشی سپرده می‌شود؟ این روزها دیگر مسوولان در کنار پاس کاری مشکلات، عمده مسایل را به گردن آمارها می‌اندازند و سکوت می‌کنند

سید حسن موسوی‌چلک، رییس انجمن مددکاران ایران در مورد آمار و بررسی‌های جدید پیرامون کودکان بازمانده از تحصیل در کشور تاکید می‌کند: چون سیستم ثبت دقیقی از این مساله وجود ندارد، هر آماری هم که در این ارتباط اعلام شود، اشتباه است.

از حقوق کودکان در این ارتباط سابق انجمن حمایت کاری که بهزیستی می‌تواند در این حوزه انجام دهد، این است که به آمارهای آخرین سرشماری در سال ۸۵ مراجعه کرده و بر این اساس یک تخمین حدودی در بزند اما نگاه به‌زیستی نتنها به این حوزه بلکه نسبت به تمامی آسیب‌های اجتماعی غیرفعال و منفعلانه بوده است، چراکه امکانات و بودجه کافی این کار را ندارد.

همچنین با وجود آنکه ۳۰درصد جمعیت کشور را کودکان تشکیل می‌دهند، اما آمارهای اصلی در حوزه تعداد کودکان خارج از تحصیل خلأ جدی دارد و هر سازمانی که در این ارتباط اقدامی را انجام داده یا آماری را منتشر کرده به صورت مقطعی بوده است. زندانی در ادامه می‌گوید: این روزها استناد کردن به آمار سرشماری سال ۸۵ اشتباه و غلط است چراکه این آمار نسبت به سه سال گذشته تغییراتی داشته و به طور حتم تعداد این کودکان بیشتر شده است. به گفته او مشکل آمار در این معضل تبدیل به یک مشکل عمومی شده و مهم‌تر از آن عدم توجه به ملاحظات کودکان در بستر سیاست‌گذاری‌های کلان کشور است به طوری که در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و جامعه کمتر ملاحظات مخصوص کودکان در نظر گرفته شده است.

ترک تحصیل دانش‌آموزان سندی بر میزان کودکان بازمانده از تحصیل

در کنار آمارهای مطرح‌شده در طول سالیان اخیر از کودکان بازمانده از تحصیل خلأ آماری بزرگ دیگری نیز دیده می‌شود. به طوری که بیش از ۱۹ میلیون و

شاخص	سال ۲۰۰۷	سال ۲۰۰۸	سال ۲۰۰۹	سال ۲۰۱۰
آموزش ابتدایی	۹۲/۶	۹۲/۸	۹۴	۹۴/۲
آموزش راهنمایی	۸۵/۱	۸۵/۳	۸۵/۹	۹۰
آموزش دبیرستان	۶۹	۶۹/۷	۷۰	۷۱
وپیش‌دانشگاهی				

منبع:گزارش آموزش وپرورش به دفتر یونیسف در ایران

کودکان کار تحت پوشش آموزش‌وپرورش قرار می‌گیرند

■ ۱۳۹۰/۰۷/۰۶: معاون وزیر آموزش‌وپرورش با اشاره به تلاش آموزش‌وپرورش برای شناسایی، جذب حداکثری و نگهداشت دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل گفت: براساس برنامه راهبردی تمامی کودکان کار تحت پوشش آموزش‌وپرورش قرار می‌گیرند. فاطمه قربان اظهار کرد: هدف و سیاست آموزش‌وپرورش این است که هیچ دانش‌آموزی خارج از مدرسه باقی نماند و همه لازم‌التعلیم‌های در سننین آموزش از امکانات تحصیلی برخوردار شوند. وی درخصوص ریشه‌کنی بی‌سوادی توضیح داد: براساس برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته با همکاری نهضت سوادآموزی باید تمامی افراد بین ۱۰ تا ۴۹ سال تا دو سال آینده از نعمت سواد برخوردار شوند. معاون وزیر آموزش‌وپرورش ادامه داد: براساس برنامه‌های تدوین شده برای اسناد بی‌سوادی در کشور تا دو سال آینده جشن «ریشه‌کنی بی‌سوادی» در کشور برگزار می‌شود و از ورود بی‌سوادی جلوگیری خواهد شد. قربان در ادامه از پوشش ۷۰ درصدی پیش‌دبستانی در سال جاری خبر داد و گفت: پوشش پیش‌دبستانی در سال جاری رشد قابل‌قبولی دارد به طوری که از ۵۰ درصد سال گذشته به ۷۰ درصد در سال جاری رسیده است. معاون وزیر آموزش‌وپرورش در خاتمه خاطر‌نشان کرد: مربیان پیش‌دبستانی در سال‌های گذشته به صورت سلیقه‌ای در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کردند، اما از امسال و با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته این آموزش‌های ملون و به صورت سراسری به همه استان‌ها اعلام شد و همه مربیان در کلاس‌های آموزشی شرکت کردند.

آماری برای کودکان بازمانده از تحصیل

■ ۱۳۹۰/۰۷/۰۶: برای پیدا کردن دانش‌آموزانی که به مدرسه نمی‌روند یا با گذراندن چند سال از آموزش عمومی راهی بازار کار شده‌اند، نیازی نیست سراغ ده‌کوره‌ها و نقاط صعب‌العبور برویم، چراکه در هر شهر و منطقه‌ای این کودکان دیده می‌شوند. کودکان کار، از آنهایی که در دکان‌های میکینکی، تراشکاری و تجاری پرسه می‌زنند و شاگردی می‌کنند تا آنها که در خیالان‌ها قل می‌فرشند و نصف‌نیمه گدایی و شاید دستفروشی، همگی گواهی می‌دهد که این دانش‌آموزان رها از درس و مدرسه هستند با این حال، رسانه‌ها به تازگی شمار دانش‌آموزان محروم از مدرسه یا ترک تحصیلکرده را رقمی بیش از هفت میلیون اعلام کرده که به خوار خبری رسانه‌ها تبدیل شده است. به گفته این پایگاه خبری، اگر جمعیت ایرانیان بین هفت تا ۱۹ سال بیش از ۱۹میلیون نفر باشد و آمار دانش‌آموزان در سال تحصیلی جاری ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر عنوان شود، بنابراین حدود هفت میلیون نفر از ورود به مدرسه بازمانده‌اند که گواهی بر تاگزایی نظام آموزش است. این تحلیل هرچند در نگاه نخست باورپذیر است، اما اگر بدانیام آمار این جمعیت به آخرین سرشماری سازمان آمار یعنی سال ۸۵ بازمی‌گردد که از آن زمان به شدت از تعداد جمعیت در سنن مدرسه کاسته شده، از بار باورپذیری آن کاسته می‌شود. از سوی دیگر، وزارت آموزش‌وپرورش که با شروع سال تحصیلی در پی گزراوری آمار دانش‌آموزان است و تاکنون شمار دانش‌آموزان را ۱۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر تخمین زده با این خبر، اعلام هرگونه آمار از شمار دانش‌آموزان را به پایان مهر و اتمام سرشماری این وزارتخانه موکل کرده است.

بیشتر کودکانی که در ایران به آموزش دسترسی ندارند، افغانند

■ ۱۳۹۰/۰۸/۰۴: نماینده سازمان ملل با تاکید بر دسترسی کودکان به آموزش و حقوق اصلی خود، عمده کودکانی که در ایران به آموزش دسترسی ندارند، کودکان افغان دانستد و افزود: «فتر صندوق کودکان سازمان ملل در مورد کودکان خارج از مدرسه محروم از تحصیل برنامه‌هایی با آموزش‌وپرورش دارد و در ضمن در بحث حمایت اجتماعی از این کودکان نیز با وزارت رفاه و بهزیستی همکاری‌هایی انجام می‌دهیم.» معاون نماینده صندوق کودکان سازمان ملل متحد گفت: «براساس ارزش‌های کنوانسیون حقوق کودک، ازدواج کودکان قابل‌قبول نیست و ما در صندوق کودکان سازمان ملل ارزش‌هایی برخلاف این کار را ترویج می‌کنیم.»آنا ریاتی، این جمله را در پاسخ به سوال خبرنگاری گفت که در مورد ازدواج دانش‌آموزان و دفاع وزیر آموزش‌وپرورش از آن بیان کرد. وی در نشست مطبوعاتی به مناسبت روز ملل متحد گفت: «یونیسف در ۲۰۰ کشور دنیا کار می‌کند تا کنوانسیون حقوق کودک را در قالب همکاری با دولت‌ها به اجرا درآورد.»وی با یادآوری اهداف توسعه هزاره در زمینه کودکان گفت: «یونیسف در کنار سازمان بهداشت جهانی در زمینه کاهش مرگ‌ومیر کودکان کار می‌کند و در این زمینه به آمار ۲۶ از ۳۱ در هر هزار تولد دست یافته است.»وی همچنین با یادآوری موضوع کاهش مرگ‌ومیر مادران نیز گفت: «این موضوع در توافق با دولت ایران در محورهای آموزش کیفی، سلامت، بهداشت و تغذیه و مراقبت‌های دوران اولیه حاملیت از کودکان، پیشگیری از ایندز پیگیری شده است.»وی با تاکید بر وجود چالش‌های در زمینه کاهش مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال گفت: «در این زمینه نابرابری‌هایی در استان‌های مختلف وجود دارد، در سطح ملی در مورد مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال کارهای خوبی انجام شده، اما در بعد استانی بحث متفاوت است.»